

بررسی جنون به عنوان یکی از اسباب رافع

مسئولیت کیفری

قنبر علی یوسفی*

چکیده

تعریف فقهی و لغوی و حقوقی از جنون به زوال عقل و ادراک، نظریه استناد جنون به حلول ارواح شیطانی در کالبد مبتلایان به این بیماری را باطل می‌کند و نظریه ارتباط جنون با طب و نوعی بیماری اختلال در قوه درک و عقل و عصب را تأیید می‌کند. جنون و اختلالات دماغی از مسائل موضوعی است که باید احراز شود و تشخیص آن در موارد مشتبه از طریق رجوع دادگاه به کارشناس صورت می‌پذیرد که نظریه کارشناس مشورتی بوده و قاضی مکلف به تبعیت از آن نمی‌باشد.

امروزه قضات بر آن هستند که بایستی طبیب به‌طور قطع درباره مسئولیت و تقصیر، اظهار عقیده کند ولی اطبا سعی دارند تشخیص تقصیر را به عهده قاضی بگذارند؛ هرچند طرفداران نظریه قضات بیشتر است. جنون اقسامی دارد که قسمتی از آنها مربوط به قوای عاقله است که برخی دائمی و مستمر و بعضی غیرمستمر است.

شرط تأثیر جنون در رفع مسئولیت کیفری وجود آن حین ارتکاب جرم است که با احراز این شرط مرتکب، حتی از پرداخت هزینه دادرسی هم معاف است؛ اما از لحاظ مدنی مقصر است. در صورت بقای جنون حین رسیدگی، بیمار به دارالمجانین تسلیم می‌شود. جنون از عوامل شخصی رافع مسئولیت کیفری است، یعنی خود مجنون به خاطر عدم قابلیت انتساب جرم به او فاقد مسئولیت کیفری است؛ اما شرکا و معاونان او معاف از مسئولیت کیفری نیستند.

واژگان کلیدی: بیمار روانی، اختلال اراده، نقص عقل، جنون، مجازات مجنون، مسئولیت.

*. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو شورای مدیریت انجمن حقوق جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه

مقدمه

در طول دادرسی‌های کیفری، یکی از توجیهاتی که مرتکبین پاره‌ای از جرائم خصوصاً جرائمی چون قتل بدان تمسک می‌نمایند و در دفاع از خود و توجیه عمل ارتكابی‌شان عنوان می‌دارند، جنون می‌باشد. جنون حین ارتكاب جرم به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری، موجب رهایی مرتکب از مجازات می‌گردد و چنانچه پس از ارتكاب جرم و در جریان دادرسی حادث شود، دادرسی را از روال عادی خارج می‌سازد و زمینه اتخاذ تصمیم دیگری غیر از محکومیت و برائت را ممکن است فراهم آورد.

تشخیص جنون جزء امور مشکلی است که همواره موجب مباحثات طولانی در دادرسی‌های جزائی می‌گردد و باب بحث و اختلاف‌نظر بین دادرسان جزائی و متخصصین روان‌پزشکی را می‌گشاید. با توجه به اینکه زبان روانشناسان و روان‌پزشکان برای دادرسان ناآشنا و بالعکس دیدگاه حقوقی دادرسان برای آنها نامأنوس می‌باشد و نظر به تحولات چشمگیری که در زمینه علوم روانی به وجود آمده است؛ اشکالات کار را افزون‌تر و اختلاف بین آنها را تشدید می‌نماید. آگاهی هر یک از این دو گروه به حدود مسئولیت خود در مسئله مورد بحث، اختلاف‌نظرها را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و دادرسی منطبق با واقع و عدالت را امکان‌پذیر می‌سازد.

فصل اول: مفهوم و پیشینه جنون

مبحث اول: تعریف جنون

گفتار اول: تعریف لغوی جنون

لفظ جنون در لغت به معنای در آمدن شب، پوشیده و پنهان شدن، شیدایی، شیفتگی، دیوانگی و زایل شدن عقل می‌باشد.^۱

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۷۸۸۳.

گفتار دوم: تعریف اصطلاحی جنون

جنون یک مفهوم پزشکی و روان‌پزشکی است و اگر هم بنا باشد که تعریفی به خصوصی از جنون ارائه گردد، این مهم در حیطه علوم پزشکی است نه قانون. بدین جهت است که قانون از جنون تعریفی ارائه نداده است؛ اما این امر مانع از این نیست که حقوقدانان اسلامی تعریفی ارائه نکنند.

حقوقدانان بنا به شیوه و مشرب خودشان، تعاریفی از جنون ارائه نموده‌اند. بعضی جنون را یک مفهوم فرهنگی و نسبی دانسته‌اند^۱ و با یادآوری این نکته که در جوامع مختلف یکسری معیار و ضوابطی وجود دارد، در چنین شرایطی اگر فردی از تطبیق رفتار خودش با این معیارها و ضوابط ناتوان باشد، در حالت شدید آن فرد را مجنون می‌نامند. عده‌ای دیگر از حقوقدانان جنون را مترادف معنای لغوی آن می‌دانند و با بیان اینکه جنون در لغت به معنای شیدایی و دیوانگی آمده است؛ مدعی‌اند که در حقوق جزا هم جنون به معنی لغوی آن (دیوانگی) آمده است. عده‌ای دیگر جنون را حالتی می‌دانند که فرد در اثر آشفتگی روحی و روانی عقلش پوشیده مانده و قوه درک و شعور خود را از دست داده است.^۲

از میان تعاریف فوق تعریف اخیر مناسب به نظر می‌رسد. تعریف نخست از این جهت که جنون را مفهوم فرهنگی و نسبی می‌داند و کسی را که از تطبیق دادن خود با معیارها و ضوابط موجود ناتوان باشد مجنون می‌داند، ناقص به نظر می‌رسد؛ زیرا ناتوانی در تطبیق با معیارها تنها نتیجه اختلال در قوه دماغی نیست و چه بسا این ناتوانی معلول علل دیگری باشد. تعریف دوم نیز از این جهت که مفهوم عام لغوی دیوانه را مترادف با جنون می‌داند، نارسا به نظر می‌رسد؛ زیرا اصطلاح جنون خاص بوده و در مرتبه پایین‌تری از دیوانگی و شیدایی می‌باشد.

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۱.

۲. رضا نور بها، حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۲.

۳. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۷۹.

مبحث دوم: تعریف مجنون

گفتار اول: تعریف لغوی مجنون

مجنون از ریشه جن - یجن می‌باشد.^۱ به شخصی که عارضه جنون در وجود او می‌باشد، مجنون گویند؛ همان‌طوری که به کسی که دین دارد، «مدیون» گویند.

گفتار دوم: تعریف اصطلاحی مجنون

مجنون به کسی اطلاق می‌گردد که از تطبیق رفتار خود با معیارها و ضوابط متعارف سایر افراد جامعه ناتوان است^۲ و در اصطلاح علم روانشناسی حالتی است که بیمار مبتلا به آن قدرت تمیز نیک و بد را از دست می‌دهد و سود و زیان گفتار و کردار خویش را تشخیص نمی‌دهد.^۳

مبحث سوم: سابقه تاریخی جنون

در روم باستان، دیوانگان - به‌عنوان بیماران روانی - پاسخگوی جرائمی که انجام می‌دادند، نبودند. در قرون وسطی نیز به دلیل اینکه روح دیوانگان را دستخوش وسوسه‌های شیطان می‌دانستند، لذا این افراد باید تاوان اعمال خود را می‌پرداختند؛^۴ لذا به دفعات اتفاق می‌افتاد که دیوانگانی را که به‌کلی فاقد قدر شعور بودند به خاطر ارتکاب جرم، بر بالای چوبه‌های دار

۱. فواد افرام البستانی، فرهنگ المعجم الوسیط (عربی - فارسی)، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی

۱۳۸۲، چاپ اول، جلد اول، ص ۲۹۱.

۲. محمد صالح ولیدی، حقوق جزا، مسئولیت کیفری، ص ۱۴۵.

۳. محمد باهری، میرزاعلی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم

۱۳۸۴، ص ۳۱۹.

۴. رضا نور بها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۲.

حلق آویز می کردند. چه بسا دیوانگانی که حتی مرتکب جرمی نشده بودند، اما با آنها مانند جنایتکاران رفتار می شد و غالباً آنها را به شلاق می بستند تا شیطان از بدنشان خارج شود.^۱ اینگونه رفتار با دیوانگان کماکان صورت می گرفت تا اینکه در سالیان بعد عده ای از روان پزشکان مطالعات دامنه داری را در زمینه دیوانگان آغاز کردند و همین تلاش ها به ثمر نشست و نتیجه اش تصویب قانون سال ۱۸۱۰ فرانسه بود که در این قانون عدم مسئولیت دیوانگان اعلام شد.^۲

گفتار اول: پیشینه تاریخی جنون از نظر مقررات قانونی و فقه اسلامی

الف- قانون جزای فرانسه

پس از تحقیقات بسیار دانشمندان معروفی چون پنیل و اسکیرول فرانسوی مبنی بر اینکه جنون نوعی بیماری روانی است و مبتلایان باید تحت معالجه قرار گیرند، در قانون جزای سال ۱۸۱۰ کشور فرانسه برای نخستین بار عدم مسئولیت جزایی بزهکاران دیوانه پذیرفته شد.^۳

ب- قانون جزای افغانستان

ماده ۶۷ قانون جزای عمومی افغانستان، شخص مجنون را فاقد مسئولیت کیفری دانسته مشروط به اینکه در حین ارتکاب جرم فاقد ادراک و شعور باشد.

ج- قوانین جزایی ایران

۱. قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۱.

۲. رضا نور بها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۳.

۳. عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۱۹۶.

ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ می‌گفت: «کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت ولی در صورت بقای جنون باید به دارالمجانین تسلیم شود».^۱

همان‌طور که ملاحظه شد به تصریح این ماده، مجنون فاقد مسئولیت می‌باشد، مشروط به اینکه حین ارتکاب جرم حالت دیوانگی را داشته باشد.

۲. قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲

این قانون تحت تأثیر اصطلاحات روان‌شناسی جدید، ضمن حذف اصطلاح «جنون»، در بند الف ماده ۳۶ آن می‌گوید: «هرگاه محرز شود مرتکب جرم حین ارتکاب به علل مادر زادی یا عارضی، فاقد شعور بوده یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نمی‌شود».

قانون مصوب سال ۵۲ با بکارگیری اصطلاحات: فقدان شعور، اختلال تام و اختلال نسبی، در واقع جنون را طبقه‌بندی کرده است.^۲

۳. قانون مجازات اسلامی

از آنجا که از نظر اسلام برای احراز مسئولیت کیفری، رعایت شرایط عامه تکلیف مثل بلوغ، عقل، اختیار و علم به حرمت عمل ضروری می‌باشد؛ لذا از لحاظ کیفری کسی مسئول شناخته می‌شود که از رشد جسمانی و عقلانی برخوردار باشد و با اراده و اختیار و یا علم و آگاهی به حرمت و ممنوعیت قانونی، مرتکب عمل شده باشد. بر همین اساس است که در نظام جزایی اسلام، مردگان و حیوانات و اطفال و مجانین قابل تعقیب جزایی نیستند. دکتر نوربها می‌فرماید: امتیاز و برتری نظام کیفری اسلام در مسئله مسئولیت کیفری مطلبی است که نه تنها از طرف پیروان این مکتب بلکه از طرف صاحب‌نظران و حقوق‌دانان کشورهای

۱. رضا نور بها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۴.

۲. رضا نور بها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۴.

مختلف مورد تایید و تأکید قرار گرفته است. لذا در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی آمده: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است».

۴. فقه اسلامی

از آنجا که یکی از شرایط عمومی تکلیف و مسئول شناختن افراد، عقل است و از طرف دیگر آن را - همان طور که در تعریف فقهی جنون گذشت - زوال عقل می‌دانند؛ لذا با قاطعیت می‌توان گفت که فقدان مسئولیت نسبت به بزهکاران دیوانه را اسلام ۱۲۰۰ سال قبل از قوانین موضوعه کشورهای اروپایی پذیرفته است.^۱

مبحث چهارم: مقایسه اجمالی جنون در حقوق ایران و افغانستان

قانون گزار افغانستان در ماده ۶۷ قانون جزای عمومی متعرض سه مورد شده است. مقنن با بکار گیری عباراتی همچون: «به سبب جنون یا امراض عقلی فاقد ادراک و شعور باشد»، به دو مورد که موجب عدم مسئولیت مطلق می‌شود، اشاره کرده است. فقره سوم را که مستوجب مسئولیت تقلیل یافته است، «ابتلا به نقصان ادراک و شعور» دانسته است.^۲

قانون گزار ایران نیز ابتدا در ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴، جنون و اختلال دماغی را هم‌ردیف هم قرار داده بود که برای محاکم مشکلاتی را ایجاد کرده بود. در این ماده می‌گوید: «کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت ولی در صورت بقای جنون باید به دارالمجانین تسلیم شود». اما قانون اصلاحی مصوب خرداد ۱۳۵۲ با تأثیر از اصطلاح روان‌شناسی امروزی در مورد جنون، از قانون سال ۱۳۰۴ فاصله گرفته و میان جنون و اختلال تام و نسبی تفکیک قائل شده است. دربند «الف» ماده ۳۶ آن چنین آمده است: «هرگاه محرز شود مرتکب حین ارتکاب به علل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور بوده یا به اختلال تام تمیز

۱. علیرضا فیض، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۷۱.

۲. محمد صدر توحید خانه، رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان، ص ۱۹۲.

یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد» و در بند «ب» همین ماده نیز به اختلال نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده اشاره شده است. همان‌طور که ملاحظه شد به خلاف قانون ۱۳۰۴ که جنون و اختلال دماغی را در یک ردیف قرار داده بود، قانون ۱۳۵۲ با عنایت بیشتری در ضمن استخدام سه اصطلاح «فقدان شعور» و «اختلال تام» و «اختلال نسبی» قوه تمیز یا اراده در حقیقت به طبقه‌بندی جنون پرداخت. در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی هم فارغ از هرگونه طبقه‌بندی جنون و اظهارنظر درباره آن می‌فرماید: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است».

مبحث پنجم: انواع جنون

از نظر علم روان‌شناسی جنون انواع و اقسام مختلفی دارد؛ اما از نظر حقوقی جنون به جنون اطلاق (دائمی) و جنون ادواری تقسیم می‌شود. در جنون ادواری همین‌که ثابت شود که متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده و سپس به حالت افاقه بازگشته است؛ در صورت ملازمت جنون با جرم ارتكابی، مرتکب مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

فصل دوم: تشخیص جنون و شرایط عدم قابلیت انتساب جرم به مجنون

مبحث اول: موضوعی بودن مسئله جنون و تشخیص آن

گفتار اول: جنون از موضوعات است نه احکام

جنون واقعی است که باید احراز شود و وصف و فرض قانونی نمی‌باشد؛ لذا در هر مورد باید وجود آن اثبات شود. بدین ترتیب دادگاه باید در پرونده مطروحه مستندات را که منتهی به احراز جنون و نهایتاً عدم مسئولیت کیفری می‌گردد مشخص نماید.^۱

۱. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، ص ۲۴۳.

گفتار دوم: تشخیص جنون

تشخیص جنون گاهی برای دادگاه آسان و گاهی دشوار است که دادگاه در صورت اخیر نیاز به مراجعه به کارشناس و اطباء و پزشک روانی دارد. مقصود از مراجعه دادگاه به اهل خبره، دانستن این نکته است که آیا وضع روانی بزهکار در لحظه ارتکاب جرم بر رفتار او مؤثر بوده است یا نه؛ لذا نظریه کارشناس مشورتی است و تبعیت از آن برای دادگاه الزامی نیست.^۱

بر همین اساس تبصره ماده ۴ لایحه قانونی اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: «درباره تشخیص عدم مسئولیت مجرمین و اینکه آیا مطلقاً یا به‌طور نسبی فاقد قوه ممیزه می‌باشند، دادگاه نظر پزشک متخصص امراض روحی را جلب می‌نماید و در هر حال تصمیم نهایی با دادگاه است».

نکته قابل‌توجه این است که توضیح در رابطه با بحران حاکم بر مرتکب در حین ارتکاب جرم هرچند مفید و ضروری است، ولی کافی نیست؛ لذا پزشک باید در پایان توضیح بحران عارض بر مجرم، نتیجه‌گیری هم کند و در رابطه با تقصیر یا عدم تقصیر مرتکب اظهارنظر نماید. اما آنچه در عمل می‌بینیم این است که پزشکان فقط به توضیح بسنده کرده و نتیجه‌گیری را به عهده قاضی می‌گذارند و گاهی قاضی زیر بار نمی‌رود که همین امر نزاع بین کارشناس و قاضی را به دنبال دارد؛ لذا در رابطه با اظهارنظر پزشک علاوه بر توضیح، دو نظریه وجود دارد: ۱. پزشک فقط باید بحران عارض بر مرتکب جرم را حین ارتکاب جرم توضیح دهد که آیا بحران‌ها در رفتار روحی مجرم مؤثر بوده و یا نه و آیا می‌توان او را مسئول و مقصر شناخت یا نه؛ ولی حق هیچ‌گونه اظهارنظری ندارد و قاضی متکفل اظهارنظر است.

۲. پزشک علاوه بر توضیح می‌بایست اظهارنظر هم بنماید. البته این بدین معنا نیست که قاضی ناگزیر از قبول نظریه کارشناس باشد؛ بلکه قاضی می‌تواند پس از دریافت نظریه موجه پزشکان به تحقیقات عمیق‌تری بپردازد و چنانچه آن را درست تشخیص ندهد، برخلاف

۱. محمد اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۸۰.

۲. محمد علی اردبیلی حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۸۱.

آن عمل نماید. امروزه نظریه دوم که می‌گوید پزشک باید به سؤال نهایی جواب دهد و سخن آخر را در باب تقصیر یا عدم تقصیر بگوید، طرفداران بیشتری دارد.

مبحث دوم: شرایط عدم قابلیت انتساب جرم به مجنون و نحوه احراز جنون

گفتار اول: شرایط عدم قابلیت انتساب جرم به مجنون

مطابق ماده ۵۱ ق.م.ا، جنونی رافع مسئولیت کیفری است که در حال ارتکاب جرم وجود داشته باشد. در تبصره ۲ ماده قانون مزبور نیز در مورد جنون ادواری چنین آمده که رفع مسئولیت کیفری او با احراز وجود جنون حین ارتکاب جرم هست. لذا هرگاه مجرم در هنگام ارتکاب جرم از قدرت شعور برخوردار بوده، اما پس از اینکه جرم را مرتکب شد، مجنون شود؛ دارای مسئولیت کیفری است و با عروض جنون پس از ارتکاب جرم، مسئولیت او منتفی نمی‌شود. البته قبل از رسیدگی به جرم و اعمال مجازات نسبت به چنین مرتکبی، وی باید ابتدا مورد معالجه و درمان قرار گیرد. تعقیب و مجازات مرتکب در حال جنون ممنوع می‌باشد^۱ پس می‌توان گفت جنون به دو شرط رافع مسئولیت کیفری است:

۱. تقارن جنون با جرم؛ ۲. تلازم جنون با جرم.

تقارن جنون با جرم بدین معناست که تنها جنونی رافع مسئولیت کیفری است که مقارن جرم باشد.^۲ به همین خاطر اگر متهم قبل یا بعد از ارتکاب جرم مبتلای به جنون شود، هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری او ندارد. اگرچه عده‌ای از حقوقدانان جنون پیش از ارتکاب جرم را به استناد بند ۵ ماده ۲۲ ق.م.ا یعنی توجه به «وضع خاص متهم و یا سابقه او» از جهات مخففه به شمار آورده‌اند و قائل به تخفیف در میزان مجازات مرتکب شده‌اند.

۱. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، ص ۲۴۳.

۲. عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ص ۲۳۸.

معنای تلازم جنون با جرم این است که جرمی که مجنون متهم به آن است، با بیماری روانی او مرتبط باشد یعنی جرم تحت تأثیر و ناشی از بیماری روانی او شکل گرفته باشد. لذا اگر این ارتباط قطع گردد بدین معناست که جرم تحت تأثیر این حالت روانی واقع نشده است و چنین جنونی رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود.^۱

گفتار دوم: نحوه احراز جنون و اختلال اراده

الف- نحوه احراز جنون

جنون اماره قانونی و فرض محسوب نمی‌شود، به همین خاطر در هر موردی وجودش نیاز به اثبات دارد و دادگاه مکلف است در هر پرونده‌ای که طرح می‌گردد کلیه مستندات منجر به احراز جنون را که موجب عدم مسئولیت کیفری می‌شود، مشخص نماید. تمیز جنون امری ماهوی است و در اختیار محکمه است. البته نهایت کاری که دادگاه می‌تواند انجام دهد این است که از کارشناسان خبره این قضیه نظیر پزشک قانونی کمک بگیرد. اگرچه دادگاه ملزم به تبعیت از نظر کارشناس نیست، حتی اگر نظر کارشناس با اوضاع و احوال قطعی مسئله مطابقت نداشته باشد، محکمه می‌تواند به کارشناس دیگری رجوع کند. چنانکه در ماده ۲۶۰ قانون اصلاح موادی از قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۶۱/۶/۶ کمیسیون امور قضایی مجلس داریم: «به‌طور کلی در امور کیفری و جرائم، گزارش کتبی ضابطین دادگستری و اشخاص که برای تحقیق در امور کیفری مأمور شده‌اند و همچنین اظهارات گواهان و کارشناسان معتبر است به شرط آنکه ضابطین و کارشناسان و گواهان لااقل دو نفر و عادل باشند مگر آنکه برخلاف علم قطعی قاضی باشد».

با توجه به متن ماده می‌توان گفت نظر کارشناس برای دادگاه در صورتی قابل‌پذیرش است که حداقل دو نفر آن هم عادل باشند و قاضی علم قطعی برخلاف نظر آنان نداشته باشد. بر این اساس است که دفاع در جهت ایجاد علم قطعی در قاضی برای از ارزش انداختن نظر

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۸۲.

کارشناس کار دشوار و سنگینی می‌نماید. پس بهتر است بگوییم نظریه کارشناس جنبه مشورتی برای قاضی باید داشته باشد تا اگر نظر کارشناس موجب حصول قناعت وجدان برای قاضی نشد، بتواند موضوع را به هیئت کارشناسان ارجاع نماید. گفتنی است که تبصره ماده ۱۵ ق.آ. د.ع.ک می‌گوید: «گزارش ضابطین دادگستری در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد».^۱

ب- جنون و اختلال اراده

جنونی موجب ارتفاع مسئولیت کیفری است که تام و کامل باشد. البته بین هوشیاری کامل و جنون درجاتی وجود دارد، مثلاً در هنگام بیماری فرد، اراده، آگاهی و قدرت تمیز دارد؛ ولی اراده‌اش بیمار است و معمولاً دادگاه‌ها بیماری اراده را موجب زوال مسئولیت کیفری نمی‌دانند. در صورت احراز جنون مقدار آن شرط نیست؛ زیرا قانون‌گذار در ماده ۵۱ ق.م.ا، جنون با هر درجه‌ای را رافع مسئولیت کیفری می‌داند، لذا هر نوع بیماری روانی که جنون تشخیص داده شود به نحوی که قدرت تشخیص را زایل نموده باشد موجب زوال مسئولیت کیفری می‌شود.^۲

فصل سوم: صور و آثار جنون

مبحث اول: صور جنون و احکام آن در عدم مسئولیت کیفری

گفتار اول: جنون در حین ارتکاب جرم

جنون وقتی موجب زوال مسئولیت کیفری مجرم می‌شود که حین ارتکاب جرم موجود باشد و چنانچه حالت خطرناک مجنون ثابت شد باید ترتیبی اتخاذ شود تا جامعه از خطرات احتمالی رفتار او در آینده مصون بماند. مقنن در ماده ۵۲ ق.م.ا، مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب

۱. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، صص ۲۴۴ و ۲۴۳.

۲. همان.

جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود، چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است. شخص نگهداری شده و یا کسانش می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص، خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می کند این رأی قطعی است ولی شخص نگهداری شده و یا بستگان وی هرگاه علانم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند»^۱

همچنین به موجب صریح ماده ۵۱ ق.م.ا، وجود حالت جنون در حین ارتکاب جرم باید در نزد مجرم مسلم باشد؛ زیرا مجرم زمانی غیرمسئول شناخته می شود که در حین ارتکاب جرم مجنون باشد. در حقوق فرانسه، در صورتی که جنون حین ارتکاب جرم وجود داشته باشد، اگر ضمن بازپرسی به اثبات رسد، قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد و اگر در ضمن دادرسی معلوم شود که چنان بوده، متهم تبرئه می شود.^۲

گفتار دوم: جنون حادث در زمان محاکمه

احتمال دارد متهم در کمال عقل مرتکب عمل مجرمانه شود ولی در اثنای محاکمه مبتلای به جنون گردد، در این صورت از آنجا که متهم قادر به درک اتهام و دفاع از خود نخواهد بود و اقامه دعوای کیفری علیه او غیرعادلانه بوده و منطبق با شرع نیست؛ لذا منطبق و عدالت مقتضی آن است که تا زمان بهبودی، تعقیب او متوقف گردد. با توجه همین امر است که ماده ۸ آیین دادرسی کیفری چنین مقرر داشته است: «تعقیب امور جزایی که از طرف مدعی العموم موافق قانون شروع شده موقوف نمی شود، مگر در موارد ذیل: ۱- به واسطه فوت یا جنون متهم

۱. ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، صص ۲۴۴-۲۴۵.

۲. جعفر بوشهری، حقوق جزای فرانسه، ج ۷، ص ۱۴۳.

مقصر...». بنابراین در صورت حدوث جنون در حین تعقیب و دادرسی متهم را به تیمارستان می‌فرستد و وقتی بهبود حاصل کرد تعقیب و محاکمه او را دنبال می‌کنند.^۱

گفتار سوم: دیوانگی «جنون» حادث بعد از صدور حکم محکومیت

در گذشته مجرمینی که بعد از صدور حکم به جنون مبتلا می‌شدند، حکم محکومیت آن‌ها بدون فاصله اجرا می‌شد. استدلال قائلین این بود که مجرم مجنون به هنگام ارتکاب جرم دارای مسئولیت بوده و لذا حتی اگر جنون پس از صدور حکم محکومیت، حادث شود باید به مجازات عمل ارتكابی خود برسند.

با پیدایش مکتب کلاسیک و تحت تأثیر و با الهام از این مکتب - معتقدند مرتکب جرم در اثر اعمال مجازات متنبه و تحت نظر مقامات زندان اصلاح می‌شود و همچنین مجازات باعث عبرت سایرین شده و از ارتکاب مجدد جرم جلوگیری می‌کند - مجازات مجرمین مجنون پس از صدور حکم موقوف گردید؛ زیرا در مورد چنین مجرمانی هیچ‌کدام از اهداف مجازات که طرفداران مکتب کلاسیک بدان معتقد بودند، عملی نمی‌شد. چرا که اولاً، مجنون قدرت درک مسائل را ندارد تا به دنبال مجازات از عمل خود متنبه گردد و ثانیاً، اصلاح او از نظر کیفری قبل از آنکه سلامت عقلی کامل خود را به دست آورد، امکان‌پذیر نیست و سایر افراد به خاطر مجازات او عبرتی نخواهند گرفت؛ چون افراد سالم به‌ندرت خود را با مجرم مجنون مقایسه می‌کنند. بدین جهت امروزه از مجازاتی نظیر اعدام در مورد مجرمین مجنون خودداری می‌شود و به‌جای آنکه آن‌ها را در زندان‌های معمولی نگهداری کنند به تیمارستان روانی مجرمین می‌برند و تا زمان بهبودی کامل اجرای مجازات در مورد آن‌ها عملی نمی‌شود.^۲

نکته ضروری اینکه جنونی که پس از صدور حکم محکومیت حادث می‌شود، تنها اجرای مجازات‌های سالب آزادی را متوقف می‌سازد؛ اما مجازات‌های سالب حق مانند (حقوق مدنی) و مجازات‌های مالی که ارتباطی به مسئله جنون ندارد، فوراً در مورد او اجرا می‌شود.

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۶ الی ۳۸.

مبحث دوم: آثار و نتایج جنون

گفتار اول: آثار و نتایج اصلی جنون

الف- جنون حین ارتکاب جرم

ماده ۵۱ ق.م.ا. جنون حین ارتکاب جرم را رافع مسئولیت کیفری می‌داند و به حکم ماده ۵۲ ق.م.ا. هرگاه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت شود، به دستور دادستان رئیس حوزه قضایی تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد.

ب- جنون حادث در مرحله دادرسی

هرگاه مرتکب پس از وقوع جرم مجنون شود، همانند جنون حین ارتکاب جرم رافع مسئولیت کیفری او خواهد بود و با احراز حالت خطرناک به دستور دادستان در محل مناسبی نگهداری می‌شود. ماده ۵۲ ق.م.ا. در چنین حالتی، تعقیب مرتکب تا زمان افافه متوقف می‌شود و دادگاه قرار تعلیق تعقیب صادر می‌کند؛ البته این امر مانع از انجام تحقیقات و رسیدگی به رفتار مجرمانه شرکا و معاونین جرم نخواهد شد.

ج- جنون پس از صدور حکم محکومیت

جنون پس از زمان صدور حکم محکومیت، مانع از اجرای بعضی از مجازات‌ها درباره او نمی‌گردد. کما اینکه به موجب ماده ۹۵ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی هرگاه محکوم به حد، دیوانه شود، حد زنا و شرب خمر از او ساقط نمی‌شود؛ ولی جنون در اثنای مجازات زندان چنین نیست.^۱

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۸۴.

گفتار دوم: آثار و نتایج فرعی جنون

الف- جنون مانع انتساب جرم ارتكابی به مرتکب

از آنجا که جنون قدرت تمیز و تشخیص را از بین می‌برد، مانع انتساب جرم ارتكابی به شخص دیوانه می‌شود؛ به همین علت برخی از حقوق‌دانان می‌گویند باید دیوانه را از مسئولیت مدنی نیز مبرا دانست. در حقوق ایران وارد آوردن خسارت به دیگری از جانب هر که باشد و لو صغیر و دیوانه باید جبران گردد و این راه‌حلی منطقی و عادلانه هست؛ چرا که دلیلی وجود ندارد که شخصی که بدون تقصیر متحمل زیان از طرف دیگری شود، از دریافت خسارت محروم بماند.^۱

ب- جنون از عوامل شخصی رافع مسئولیت کیفری

هرچند جرم ارتكابی قابل انتساب به شخص دیوانه نیست، اما عدم مسئولیت شخص دیوانه به شرکا و معاونین او سرایت نمی‌کند و آنان مشمول مجازات مقرر در قانون خواهند بود مثلاً اگر شخصی با علم و اطلاع از نقشه‌ای مجرمانه، برای شخص دیوانه که مرتکب جرم خواهد شد، آلات و اسباب لازم تهیه کند به مجازات قانونی خود - معاونت - محکوم خواهد شد.

ج- جنون رافع مسئولیت جزایی

سومین اثر فرعی جنون این است که جنون مسئولیت جزایی را در هر سه نوع جرم یعنی جنایت، جنحه و خلاف از بین می‌برد؛ بنابراین چنانچه شخص دیوانه مرتکب خلافی شده باشد مثلاً نظم عمومی را با اعمال و حرکات خود مختل سازد، مجازاتی درباره او اجرا نخواهد شد.^۲

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۹ و ۴۰.

۲. همان، ص ۴۰.

نتیجه

جنون حالتی است که فرد در اثر آشفتگی روحی و روانی عقلش پوشیده مانده و قوه درک و شعور را از دست داده است. برخلاف آراء و نظریات پیشینیان مبنی بر اینکه جنون را حالت شیطانی دانسته که وجودش مسخر و جولانگاه شیطان است که مسئول اعمال خویش بوده و باید عذاب بکشد؛ امروزه این نظریه مورد قبول هیچ یک از مکاتب و سیستم‌های حقوقی نیست. امروزه، مجنون یک بیمار روانی قلمداد و در معنی خاص خودش مسئولیتی در قبال اعمال خودش ندارد و مجازات نمی‌شود.

جنون یک مسئله موضوعی است که باید به اثبات برسد و یک وصف قانونی نیست که نظارت قانون‌گذار را بطلبد. تشخیص و اثبات آن به واسطه ارجاع به کارشناسان و روان‌شناسان امکان‌پذیر است با این تفاوت که نظریه کارشناس جنبه اقناعی داشته و اعلام نظر نهایی مبنی بر وجود جنون یا عدم آن با قاضی خواهد بود.

مجنون در صورتی مسئول شناخته نشده و مجازات نمی‌شود که فعل مجرمانه وی در هنگام جنون به وقوع پیوسته باشد و تقارن و تلازم جنون با وقوع فعل، شرط اساسی در عدم مسئولیت مجنون است. از میان صور مختلف جنون، جنون در حین ارتکاب جرم قابلیت انتساب به مجرم را از بین برده و موجب عدم مسئولیت وی خواهد شد. عدم مسئولیت مجنون فقط در حیطه جرائم است نه خسارات. نهایت اینکه جنون از اسباب شخصی رافع مسئولیت است و فقط در حق مجنون مجری است و مانع از انتساب جرم به شرکا و معاونین نخواهد بود.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، چاپ بیستم ۱۳۸۸ ش.
- باهری، محمد، میرزاعلی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم ش ۱۳۸۴.
- البستانی، فؤاد افرام، فرهنگ المعجم الوسیط (عربی - فارسی)، جلد اول، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۲ ش.
- بوشهری، جعفر، حقوق جزای فرانسه، ج ۷، تهران، انتشار، چاپ اول ۱۳۹۰ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷ ش.
- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، ققنوس، چاپ سوم ۱۳۸۶ ش.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، گنج دانش، چاپ پنجم ۱۳۷۲ ش.
- صدر توحید خانه، محمد، رهنمود ماکس پلان برای حقوق جزای عمومی افغانستان، چاپ سوم ۱۳۸۸ ش.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، تهران، انتشارت فردوسی، چاپ اول ۱۳۷۳ ش.
- فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۹ ش.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، تهران، میزان، چاپ چهاردهم ۱۳۸۶ ش.
- نور بها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و سوم ۱۳۸۷ ش.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزا، مسئولیت کیفری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۷۱ ش.